



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور


بسمه تعالی

۱۳۸۲ / ۴ / ۲۹

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت ۸۲۱۱۲۵
تاریخ ثبت :
اقدام کننده : ۸۲،۴،۳۰
صبح
عصر

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کربوبی
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه "دیوان عدالت اداری" که بنا به پیشنهاد قوه قضائیه
در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۱ هیئت وزیران به تصویب رسیده است، جهت
طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد.


سید محمد خاتمی

رئیس جمهور

رونوشت: دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دفتر معاونت
حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، شورای نگهبان، وزارت دادگستری و دفتر
هیئت دولت.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

مقدمه توجیهی:

در اجرای اصل (۱۷۳) و بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی و به منظور رفع نقائص موجود در قانون دیوان عدالت اداری؛ لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می شود:

“لایحه دیوان عدالت اداری”

فصل اول - تشکیلات دیوان

ماده ۱- دیوان عدالت اداری که در این قانون “دیوان” نامیده می شود، در تهران مستقر و دارای سی شعبه خواهد بود. ازدیاد شعب دیوان و تشکیل آن در سایر مناطق کشور حسب نیاز، به پیشنهاد رئیس کل دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد بود.

هر شعبه از دو نفر قاضی واجد شرائط که یکی از آنها رئیس و دیگری مستشار است تشکیل می گردد. دیوان به تعداد لازم برای شعب عضو معاون خواهد داشت که می تواند وظائف هر یک از دو عضو شعبه را عهده دار گردد. در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه، عضو معاون و یا یکی از مستشاران شعب دیگر به آنان ضمیمه و نظر اکثریت ملاک خواهد بود.

تبصره - قضات دیوان از بین قضات دادگستری که حداقل دارای ۱۰ سال سابقه خدمت قضائی می باشند با حکم رئیس قوه قضائیه به عنوان رئیس، مستشار و یا معاون شعبه منصوب می گردند.

ماده ۲- رئیس شعبه اول، رئیس کل دیوان بوده و می تواند به تعداد مورد نیاز معاون داشته باشد. تعداد معاونان به پیشنهاد رئیس کل دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد بود. در صورت عدم حضور رئیس کل دیوان، معاون قضائی (معاون اول) وظائف او را انجام می دهد.

ماده ۳- رؤسا، مستشاران و معاونان شعب دیوان از نظر گروه شغلی، هم ردیف رؤسا، مستشاران و معاونان شعب دیوان عالی کشور می باشند.

تبصره - رئیس کل دیوان از نظر گروه شغلی، هم ردیف رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

ماده ۴- هیئت عمومی دیوان به منظور اجرای وظائف و مسئولیتهای مندرج در این قانون با شرکت حداقل سه چهارم رؤسا، مستشاران، معاونان شعب و معاون قضائی (معاون اول) دیوان و به ریاست رئیس کل دیوان تشکیل و رسمیت می یابد. رأی اکثریت اعضاء هیئت منوط اعتبار می باشد.

ماده ۵- نمودار تشکیلاتی دیوان عدالت اداری و همچنین تعداد پستهای سازمانی و عناوین آنها، توسط دیوان با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

فصل دوم - صلاحیت و حدود اختیارات دیوان

ماده ۶- صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

- ۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی از:
 - الف - تصمیمات و اقدامات مأموران و یا واحدهای دولتی (اعم از وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شهرداریها، نهادهای انقلابی و مؤسسات تابعه و وابسته به آنها و مؤسسات و نهادهای عمومی احصاء شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی) یا خودداری مأموران و یا واحدهای مذکور از انجام وظائف و مسئولیتهای قانونی.
 - ب - تصمیمات و آرای قطعی مراجع اختصاصی اداری (اعم از دادگاههای اداری، هیئتها، شوراها، کمیسیونها، کمیتههای انضباطی از قبیل دادگاه انتظامی سردفتران و دفتریاران، هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی، هیئتهای حل اختلاف مذکور در قوانین کار، تأمین اجتماعی و مالیاتی، شورای عالی ثبت، شورای عالی مالیاتی، کمیسیونهای مقرر در قانون شهرداری و قوانین مربوط به نیروهای نظامی و انتظامی، کمیته انضباطی دانشگاهها و نظائر آنها) منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها جز در مواردی که طبق قانون مستثنا شده باشد.
- ۲- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون استخدام کشوری و سائر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در ردیف (الف) بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی.
- ۳- رسیدگی به اعتراض اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به تصویب نامهها، آئین نامهها و سائر مقررات و نظامات دولتی، شهرداریها، شوراها، اسلامی و نهادهای انقلابی از حیث مخالفت مدلول آنها با احکام شرع و یا خارج بودن آنها از حدود اختیارات و یا مغایرت آنها با قانون.
- ۴- رسیدگی به شکایات راجع به تصمیمات و مصوبات سازمانهای حرفه ای.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

تبصره ۱- اعتراض به تصمیمات و آرای دادگاهها و سائر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری و همچنین اعتراض نسبت به تصمیم یا رأی قاضی در مواردی که به حکم قانون مناط اعتبار شناخته شده است، قابل رسیدگی در دیوان نمی باشد.

تبصره ۲- در کلیه موارد مذکور در این ماده، در صورتی که تصمیمات یا اقدامات یا آرای قطعی و یا مقررات و نظامات واحدهای دولتی یا مأموران آنها به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای موازین و مقررات و یا خودداری اشخاص مذکور از انجام وظائف مربوط موجب تضییع حقوق اشخاص شده یا بشود دیوان پس از احراز ادعا و تأیید شکایت یا اعتراض، نسبت به احقاق حقوق تضییع شده اشخاص اقدام و حسب مورد حکم مقتضی مبنی بر نقض رأی قطعی و یا لغو اثر از تصمیم مورد شکایت و یا هر اقدام قانونی که باید به عمل آید صادر می کند.

تبصره ۳- چنانچه شاکی، مدعی ورود خساراتی از ناحیه واحدها، مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱)، (۳) و (۴) این ماده به خود باشد، پس از صدور حکم مبنی بر تأیید ورود خسارت می تواند برای تعیین میزان و جبران آن به دادگاه عمومی مراجعه نماید. رسیدگی به موارد اخیرالذکر به عهده دادگاه یادشده می باشد.

تبصره ۴- در کلیه موارد مذکور در ردیف (ب) بند (۱) این ماده که آرای مذکور به وسیله دیوان نقض می گردد، چنانچه پس از رسیدگی مجدد در مراجع یادشده و صدور رأی، بار دیگر مورد اعتراض قرار گیرد، دیوان رسیدگی ماهوی خواهد نمود.

ماده ۷- در مواردی که اجرای تصمیمات یا اقدامات یا آراء قطعی مراجع مصرح در ماده (۶) این قانون، سبب ورود خسارتی گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر باشد، بنا به درخواست شاکی ضمن دادخواست نسبت به دعوای اصلی، شعبه رسیدگی کننده به دعوای اصلی در صورت احراز ضرورت و فوریت امر، دستور موقت مبنی بر توقیف اقدامات یا عملیات اجرائی را تا تعیین تکلیف قطعی صادر می نماید.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی دیوان

ماده ۸- رسیدگی در دیوان محتاج به تقدیم دادخواست است که باید به زبان فارسی و در روی برگهای چاپی مخصوص که از طرف دیوان در سراسر کشور در اختیار مردم قرار می گیرد، نوشته شود. دادخواست باید به تعداد طرف دعوا به اضافه یک نسخه باشد. رونوشت یا فتوکپی مصدق مدارک و مستندات به تعداد دادخواستها باید ضمیمه دادخواست تسلیم گردد.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

تبصره ۱- هزینه دادرسی در شعب دیوان پنجاه هزار (۵۰.۰۰۰) ریال است. رئیس قوه قضائیه می تواند هر دو سال یک بار، هزینه مزبور را بر اساس شاخصهائی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود اصلاح نماید.

تبصره ۲- اگر دادخواستی فاقد امضاء و شرایط مذکور باشد، وفق آئین دادرسی دیوان از طرف مدیر دفتر رد می شود. اعتراض به قرار رد دفتر قابل رسیدگی در همان شعبه مربوط است.

ماده ۹- دادخواستیهائی که به دیوان داده می شود از طرف رئیس کل دیوان به یکی از شعب ارجاع شده، دفتر شعبه مربوط یک نسخه از دادخواست و ضمائم آن را به طرف دعوا ابلاغ می نماید. مشتکی عنه مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ دادخواست و ضمائم، با رعایت مسافت بر طبق قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی)، نسبت به تهیه پاسخ و ارسال آن اقدام نماید. در غیر این صورت شعبه مربوط با توجه به مدارک موجود در پرونده شروع به رسیدگی نموده پس از انجام تحقیقات لازمه مبادرت به صدور رأی خواهد نمود.

ماده ۱۰- وکالت در دیوان، وفق مقررات قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب خواهد بود.

ماده ۱۱- شعبه مأمور رسیدگی می تواند در حدود قانون هر گونه تحقیقی را که ضروری است به عمل آورده یا انجام آن را از هر یک از مراجع قضائی یا اداری تقاضا نماید و مراجع مذکور مکلف به انجام آن می باشند.

ماده ۱۲- دیوان می تواند در صورتی که مقتضی بداند طرفین دعوا را برای رسیدگی و اخذ توضیح دعوت نماید و همچنین در صورت لزوم می تواند سوابق و اسنادی را که در واحدهای دولتی و مؤسسات وابسته و شهرداریهاست مطالبه نموده و ملاحظه و مطالعه نماید. واحدی که پرونده یا سند نزد اوست مکلف است در مهلتی که دیوان تعیین کرده سوابق یا سند مورد مطالبه را ارسال نماید و اگر به عللی انجام آن مقدور نباشد جهات آن را به دیوان اعلام کند. در غیر این صورت، با انجام رسیدگی، متخلف به حکم شعبه به انفصال موقت از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و همین مجازات مقرر است برای موردی که دیوان احتیاج به اخذ توضیح از نماینده واحدهای مذکور در ردیف (الف) بند (۱) ماده (۶) دارد و مسئول مربوط از تعیین نماینده خودداری کند یا نماینده تعیین شده از حضور در دیوان استنکاف نماید.

ماده ۱۳- موارد رد دادرس در دیوان همان است که در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) پیش بینی شده است.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

ماده ۱۴- ابلاغ اوراق و احکام و تصمیمات دیوان به وسیله مأموران ابلاغ دادگستری و طبق مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) می باشد.

ماده ۱۵- هرگاه در موارد مشابه، بر اثر استنباط متفاوت از قوانین و مقررات، آراء قطعی متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود، رئیس کل دیوان مکلف است به محض اطلاع، موضوع را در هیئت عمومی دیوان مطرح نماید. رأی هیئت عمومی برای شعب دیوان و سائر مراجع مربوط (اعم از قضائی و اداری) در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد. اثر رأی هیئت عمومی نسبت به آینده است و جز با قانون یا رأی وحدت رویه دیگر قابل تغییر نخواهد بود.

ماده ۱۶- در اجرای اصل (۱۷۰) قانون اساسی، هیئت عمومی دیوان موظف است هرگاه شکایتی مبنی بر مغایرت تمام یا بخشی از تصویب نامه ها، آئین نامه ها و سائر مقررات و نظامات دولتی با مقررات اسلامی مطرح گردد، شکایت را به شورای نگهبان ارسال نموده تا چنانچه فقهای شورای مزبور طبق اصل (۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را خلاف شرع تشخیص دادند، هیئت عمومی دیوان حکم ابطال آن را صادر نماید.

در صورتی که اعتراض مبنی بر مغایرت آنها با قوانین و یا خارج بودن آنها از حدود اختیارات هر یک از قوای مربوط باشد و اکثریت اعضاء هیئت عمومی شکایت را وارد تشخیص دادند، حکم ابطال آن صادر می شود.

تبصره - در صورت تعارض آرای دیوان با نظر رئیس مجلس شورای اسلامی - موضوع اختیارات اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - نظر دیوان لازم الاجرا است.

ماده ۱۷- در صورتی که اکثریت قضات صادرکننده دادنامه ظرف سه ماه از تاریخ صدور نسبت به رأی صادره اعلام اشتباه نمایند، مراتب به رئیس کل دیوان اعلام و پرونده جهت رسیدگی به شعبه دیگر ارجاع می گردد. چنانچه شعبه مزبور رأی صادره را فاقد اشکال بداند، آن را تأیید و در غیر این صورت دادنامه را نقض و رأی مقتضی صادر خواهد کرد. رأی صادره قطعی است.

ماده ۱۸- کلیه واحدهای مذکور در ماده (۶) این قانون، مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به آنان است بلافاصله اجراء نمایند. در صورت استنکاف یا تأخیر در اجرای رأی قطعی، با حکم شعبه رسیدگی کننده دیوان به انفسال از خدمات دولتی به مدت یک تا پنج سال محکوم می شوند. محکوم علیه می تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم، نزد رئیس کل دیوان اعتراض نماید. حکم صادره با تأیید رئیس کل دیوان قابل اجرا می باشد.

تبصره - محکوم له می تواند جبران ضرر و زیان خود را از دادگاه عمومی صلاحیتدار تقاضا

نماید.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

ماده ۱۹- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری، حل آن به وسیله هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به عمل می آید.

ماده ۲۰- کلیه پرونده هائی که در شعب بدوی و تجدیدنظر سابق منتهی به صدور رأی قطعی نشده است، طبق مقررات این قانون در شعب دیوان رسیدگی خواهد شد.

ماده ۲۱- آئین دادرسی دیوان به وسیله هیئت عمومی دیوان تنظیم و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه به مورد اجراء در خواهد آمد.

ماده ۲۲- قانون دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۶۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می گردد.

وزیر دادگستری

رئیس جمهور